

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش‌پژوه

سال سوم، شماره ۳۳، خرداد ۱۴۰۰

دانش سلامت

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی
شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال سوم، شماره ۲۳، خرداد ۱۴۰۰



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم
مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه
سردبیر: دکتر اکرم حیدری
امور اجرایی: محمد سالم
ویراستار: حورا خمسه
طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

سخن آغازین

۴..... سفارش به تقوا و یاد مرگ

سلامت در قرآن

نقش توجه دادن به عهد و پیمان در ارتقای خویشتن از منظر قرآن
۵..... کریم
محمود شکوهی تبار

سلامت در احادیث

۷..... اعتبارسنجی روایات، تأکید بر اهمیت مسواک ۱
محمود شکوهی تبار

فقه سلامت

۱۱..... محدوده تأثیر احکام ثانویه
احمد مشکوری

اخلاق سلامت

۱۲..... دفن نکنید!
محسن رضایی آدریانی
۱۴..... حساس بودن؛ پلی یا خیر؟
محسن رضایی آدریانی

فلسفه سلامت

۱۶..... جهان بینی پزشکی و ماهیت بیمار ۲
صادق یوسفی

معرفی کتاب

۱۸..... منطق فهم حدیث

ژلال سلامت

۱۹..... غزل عشق



راهنمای نویسندگان

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی-اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.
- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت..
- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.
- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.
- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.
- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.
- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.
- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir



سفارش به تقوا و یاد مرگ

مرگ قدرت برگشت از کارهای زشت را ندارند و توان اضافه کردن نیکی برای آنان محال است. به دنیا انس گرفتند مغرورشان کرد، به آن اعتماد کردند به خاکشان انداخت.

خداوند شما را رحمت کند. به منزلی که به آباد کردن آن‌ها مأمور شده‌اید و شما را به آن‌ها ترغیب کرده‌اند و از شما به‌سوی آن‌ها دعوت به عمل آمده است، پیشی گیرید و با استقامت در بندگی و دوری از گناه نعمت‌های خدا را بر خود کامل کنید که فردا به امروز نزدیک است. ساعت‌ها در روز و روزها در ماه و ماه‌ها در سال و سال‌ها در عمر چه با سرعت می‌گذرند!

منبع:

نهج البلاغه. خطبه ۲۳۰. ترجمه حسین انصاریان، <https://www.er-fan.ir/farsi/nahj1-230> دسترسی در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۸.

ای مردم! شما را سفارش می‌کنم به تقوای الهی و حمد بسیار بر احسان و نعمت‌هایی که به شما ارزانی داشته و بر هر برنامه‌ای که از او به شما رسیده است. چه بسا شما را به نعمتی مخصوص داشت و به رحمتی دریافت. عیوبتان را آشکار کردید و او بر شما پوشاند، خود را در معرض مؤاخذه او قرار دادید، مهلتان داد.

و سفارشتان می‌کنم به یاد مرگ باشید و از آن کمتر غفلت نمایید. چگونه غافل می‌مانید از چیزی که از شما غافل نیست و چگونه طمع می‌بندید به کسی که شما را مهلت نمی‌دهد؟! برای پند و اندرز شما بس است مرده‌هایی که دیده‌اید، آن‌ها را به گورستان بردند بی آنکه بر مرکبی سوار شوند و آنان را در میان قبر گذاشتند بی آنکه خودشان فرود آیند؛ گویا اینان از آبادکنندگان دنیا نبودند و آخرت همیشه جایگاه آنان بود. از دنیایی که در آن سکونت داشتند، رمیدند و در محلی که از آن وحشت داشتند، آرمیدند. به آنچه از آن جدا شدند سرگرم بودند و جایی که عاقبت باید به آن برسند را ضایع کردند. پس از

نقش توجه دادن به عهد و پیمان در ارتقای خویشتن داری از منظر قرآن کریم

محمود شکوهی تبار

دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
shokouhi@muq.ac.ir

خویشتن داری ارتباط وثیقی با سلامت معنوی و اجتماعی دارد؛ زیرا این امر از یک سو به تسلط بر خود می انجامد که موجب ارتقای عزت نفس، رضایت بیشتر از خود، تعالی خود و امکان دستیابی به اهداف متعالی می شود که بخشی از سلامت معنوی است و از سوی دیگر، ارتقای خویشتن داری موجب بهبود مدیریت خشم، پیشگیری از بسیاری کج روی ها مثل نوشیدن الکل، مواد مخدر، روابط جنسی پرخطر، پرخاشگری، جنایت و... خواهد شد (رفیعی هنر. ۱۳۹۵: ۵۷-۱۰۱؛ رفیعی هنر و همکاران. ۱۳۹۳: ۶؛ محصل. ۱۳۹۴: ۳۹) که ارتقای سلامت اجتماعی را در پی دارد. یکی از برنامه های مهم تربیتی قرآن کریم را می توان ارتقای خویشتن داری دانست. آیات نورانی وحی با به کارگیری سازوکارهای مختلف به دنبال ارتقای خویشتن داری مخاطبان خود است. در این مجال، به یکی از سازوکارهای خویشتن داری در قرآن کریم با عنوان «ایجاد و یادآوری ایمان و التزام به عهد و میثاق در رعایت هنجارهای الهی» می پردازیم.

یکی از راهکارهای قرآن برای ارتقای خویشتن داری، ایجاد و تقویت میثاقی است که به واسطه ایمان مؤمنان، از آن ها گرفته است؛ هر چند ایمان مبتنی بر علم و لازمه تحقیق آن است و در فضایی شک آلود محقق نمی شود، ولی آیات قرآن نشان می دهند که ایمان فراتر از معرفت صرف و نیازمند حرکتی ارادی است و این معنای ایمان

نیابردن اهل کتاب با وجود علم به حقانیت پیامبر ﷺ است که قرآن گزارش کرده است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكِتَابُ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، همان گونه که پسران خود را می شناسد، او [پیامبر] را می شناسد. کسانی که به خود زیان زده اند، ایمان نمی آورند (انعام: ۲۰).

قرآن کریم قلب را ظرف ایمان می داند: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...﴾ (حجرات: ۱۴)؛ [برخی از] بادیه نشینان گفتند: «ایمان آوردیم» بگو: «ایمان نیابورده اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم» و هنوز در دل های شما ایمان داخل نشده است... و در آیات الهی، از ایمان به تسلیم کامل بودن تعبیر شده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُخَرِّجُوا فِيْمَا شَجَرَ يَنْهَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (نساء: ۶۵)؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند. با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که ایمان کنش ارادی قلب، یعنی تسلیم کامل قلبی مبتنی بر علم است (علیزاده و آزاد. ۱۳۹۲: ۱۷) که قرآن از آن به میثاق ایمانی یاد می کند. در سوره مبارک حدید به این میثاق اشاره شده است و افرادی که بخل می ورزند، توبیخ شده اند که چرا به پیمانی که خداوند از آنان در راستای تسلیم و اطاعت از خدا و رسول گرفته، پایبند نیستند و بر اساس آن عمل نمی کنند: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (حدید: ۸)؛ و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید و [حال آنکه] پیامبر [خدا] شما را دعوت می کند تا به پروردگارتان ایمان آورید و اگر مؤمن باشید، بی شک [خدا] از شما پیمان گرفته است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: جمله ﴿قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ توبیخ مطرح شده در آغاز آیه را تأکید می کند و مراد از میثاق، همان عهدی است که شهادت مؤمن بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر، به آن دلالت دارد که نشان می دهد مؤمن مطیع و تسلیم فرمان خدا و رسول است (طباطبایی. ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۱۵۲). در واقع، در این آیات برای اینکه مؤمنان بر بخل خود چیره شوند و انفاق کنند - که یکی از مصادیق مهم خویشتن داری است - آنان را به عهد و پیمانی که با خداوند بسته اند، توجه می دهد.

مواردی که با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» آغاز شده است و مؤمنان به انجام یا ترک عملی توصیه شده‌اند، می‌تواند اشاره به این پیمان و میثاق ایمانی به شمار آید. در آیه دوم سوره مبارک صف می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ در واقع، خطاب «یا ایها الذین آمنوا» در این آیه عهد و پیمان ایمانی مسلمانان را یادآور می‌شود که مؤمنان با خدا و رسولش بسته‌اند تا آنان را به مقتضای ایمانشان ملتزم گردانند و از تبعیت هوای نفس بازدارد و به جهاد ترغیب کند. روشن است که دست کشیدن از تبعیت هوای نفس و حرکت به سمت جهاد از مصادیق مهم خویشتن‌داری است. همچنین در سوره مبارک بقره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. در این آیه نیز دعوت خداوند با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» آغاز شده است که به ایمان مؤمنان اشاره دارد تا مؤمنان متوجه عهد و پیمان ایمانی خود باشند و از تبعیت از گام‌های شیطان بپرهیزند.

احترام و التزام به عهد و پیمان یکی از مسائل فطری بشر است و می‌تواند در جهت دادن به عملکرد او اثرگذار باشد. در اسلام نیز تأکید ویژه‌ای به آن وجود دارد. آیات نورانی وحی به وفای به عهد توصیه کرده‌اند، در آیه اول سوره مبارک مائده می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید. در آیه ۳۴ سوره اسراء نیز آمده است: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُوءًا لَّكُمْ﴾؛ به پیمان‌های خود وفادار باشید؛ زیرا از پیمان‌ها پرسش خواهد شد. در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز وفای به عهد مورد توجه قرار گرفته است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وفای به عهد را از شرایط اساسی ایمان می‌داند. (کلینی. ۱۴۰۷: ۲/۳۶۴، ح ۲). حضرت امیر علیه السلام نیز در فرمان خود به مالک اشتر، به اهمیت این مسئله در اسلام و جاهلیت اشاره می‌کند و آن را مهم‌ترین و عمومی‌ترین قانون اجتماع برمی‌شمارد: اگر با دشمنی پیمانی بستی تا او را در پوشش پناه خویش بگیری، به

پیمان خویش وفادار بمان و ذمه‌ات را با امانت کامل پاس دار و جان خود را سپر عهد و پیمان خویش قرار ده که در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان، با همه اختلافاتی که باهم دارند، مورد اتفاق عمومی نیست. تا آنجا که مشرکان نیز پیش از مسلمانان در روابط خود بدان پایبند بودند؛ زیرا از پیامدهای پیمان‌شکنی خاطرات تلخی داشتند. (شریف الرضی. ۱۴۱۴: ۲۴۴، نامه ۵۳)

همه این تأکیدها در کنار توجه به این مسئله که ایمان انسان نوعی عهد و پیمان به شمار می‌آید، باعث ارتقای التزام انسان به دستورات دینی می‌گردد. روشن است که عمل به دستورات دینی مستلزم پا گذاشتن بر هوای نفس و توجه به اهداف متعالی است که مصداق خویشتن‌داری می‌باشد. بنابراین، یادآوری عهد و پیمان ایمانی و نیز تأکید بر التزام به عهد و پیمان در ارتقای خویشتن‌داری مؤثر است.

منابع:

- قرآن کریم.

- رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵). روانشناسی مهار خویشتن‌با نگرش اسلامی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- رفیعی هنر، حمید؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول‌زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۹۳). «تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی». روان‌شناسی و دین: ۵-۶۲.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- علیزاده، مهدی و آزاد، حجت‌الله (۱۳۹۲). «ایمان از منظر اسلام و نقش آن در تحول فضایل اخلاقی با تأکید بر اخلاق زیست‌پزشکی». فصلنامه اخلاق زیستی: ۳۱-۱۵.

- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ ق). ترجمه قرآن (فولادوند). تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

- محض، مرضیه (۱۳۹۴). «نگره قرآن کریم به «خویشتن‌داری» در رفتارهای خانوادگی». پژوهشنامه معارف قرآنی: ۵۳-۷۵.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامية). چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.

- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق) نهج البلاغة (للصحي صالح)، قم: هجرت.

اعتبارسنجی روایات تأکید بر اهمیت مسواک ۱

محمود شکوهی تبار
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
shokouhi@muq.ac.ir

سفارش مؤکد جبرئیل علیه السلام طرح و بررسی خواهد شد.

۱. سفارش به مسواک

پاره‌ای از روایات مؤمنان را به مسواک سفارش کرده و آن را سنتی نیکو نامیده‌اند. در روایتی می‌خوانیم:

و فِي الْمَجَالِسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيٍّ عَنْ
عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ
اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ الْمُفَضَّلِ
بْنِ عُمَرَ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ إِلَى أَنْ
قَالَ: وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّوَاكِ فَإِنَّهَا مَطَهْرَةٌ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ؛ بِر
شما باد آراستگی به مکارم اخلاق تا اینکه فرمودند:
و بر شما باد مسواک زدن که پاک‌کننده و سنت
نیکویی است. (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۵۹)

همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند و
براین اساس، روایت یادشده صحیح به شمار می‌آید.

در روایتی دیگر آمده است: «و يَأْتِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْمُؤَدَّبِ
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ شُعَيْبٍ يَرْفَعُهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا يَسْتَغْنِي شِيعَتُنَا عَنْ أَرْبَعِ
حُمُرَةٍ يُصَلِّي عَلَيْهَا وَ خَاتَمٍ يَتَخَنَّمُ بِهِ وَ سَوَاكِ يَسْتَاكُ بِهِ
وَ...»؛ یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام می‌گوید: خدمت
حضرت رسیدم، ایشان فرمودند: شیعیان ما از چهار
چیز بی‌نیاز نیستند: سجاده و حصیری که بر آن نماز
بخوانند، انگشتری که در دست کنند، مسواکی که با آن
دهان را تمیز کنند و... (طوسی، ۱۳۶۵: ۷۵/۶، ح ۱۴۷).

این روایت هرچند به لحاظ سندی ضعیف است، ولی
به دلیل وجود روایات مشابه صحیح و موثق می‌توان
این بخش از روایت را قابل پذیرش دانست. در واقع،
روایات یادشده قرائن پیرامونی روایت فوق به شمار

روایات فراوانی بر اهمیت بهداشت دهان و دندان،
به‌ویژه لزوم استفاده از مسواک تأکید کرده‌اند که
نشان‌دهنده اهتمام معصومان علیهم السلام بر این مسئله است. با
توجه به اینکه استفاده از این گنجینه گران‌بها در گرو
اعتبارسنجی آن‌هاست، در این مجال اعتبار بخشی این
روایات مورد بررسی قرار گرفته است. اعتبارسنجی
سندی این روایات به‌وسیله نرم‌افزار درایة النور انجام
شده و ضمن گزارش میزان اعتبار سندی، تلاش شده
است گامی در دیگر ابعاد اعتبارسنجی روایات برداشته
شود. روایات نقل‌شده در این پژوهش از کتاب‌های
الکافی، تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه،
المحاسن، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال و امالی
شیخ صدوق است که هرچند از لحاظ اعتبار در یک
سطح نیستند، ولی همه این کتاب‌ها از اعتبار نسبی
برخوردار هستند. برخی از محققان اعتبار این کتاب‌ها
را به‌این ترتیب درجه‌بندی کرده‌اند: کتاب‌های کافی،
تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه که از کتب
اربعه شیعه هستند و نیز ثواب الاعمال شیخ صدوق،
در درجه اول اعتبار قرار دارند و امالی شیخ صدوق و
المحاسن نیز در درجه دوم هستند که به معنی اعتبار
نسبی آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۸۱). بنابراین،
روایات مطرح‌شده در این پژوهش از اعتبار منبعی
برخوردار هستند. تلاش شده است با تشکیل خانواده
حدیثی و نشان دادن همسویی روایات در این باره و نبود
معارض، اعتبار دلالی روایات نشان داده شود. همچنین،
به روایاتی که عیناً با چند سند و در منابع متعدد ذکر
شده‌اند یا با مضمون مشابه در یک یا چند منبع وارد
شده‌اند، توجه شده است.

روایاتی که بر اهمیت مسواک زدن دلالت دارند، با
الفاظ و عبارات مختلفی به این مهم پرداخته‌اند که
برای بررسی راحت‌تر، ذیل عناوین سفارش به مسواک
زدن، مسواک از اخلاق و سنت‌های پیامبران، ملازم بودن
با مسواک، مسواک نازل‌شده از سوی جبرئیل و مسواک

می‌آید و به اعتبار آن می‌افزاید.

۲. مسواک از اخلاق و سنت‌های پیامبران

برخی روایات مسواک زدن را از اخلاق و سنت‌های پیامبران دانسته‌اند و بدین وسیله مؤمنان را به آن تشویق کرده، اهمیت آن را یادآور شده‌اند.

روایت یکم: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ السَّوَاكُ»؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: مسواک زدن یکی از سنت‌های پیامبران است (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۲۳/۳، ح ۲). همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند و براین اساس، سند آن صحیح به شمار می‌آید.

روایت دوم: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّوَاكُ»؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: مسواک کردن از اخلاق پیامبران است (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۴۵۹/۶، ح ۱). این روایت نیز از نظر سندی صحیح به شمار می‌آید. روایت فوق با همین مضمون در المحاسن برقی با سندی متفاوت نقل شده است که سند آن روایت نیز صحیح است. وجود سه روایت با یک مضمون اعتماد ما به انتساب این روایات به ائمه معصومان علیه السلام را بیش از پیش می‌کند و به اعتبار روایات می‌افزاید.

روایت سوم: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ثَلَاثٌ أُعْطِيَهُنَّ الْأَنْبِيَاءُ الْعَطَرُ وَالْأَزْوَاجُ وَالسَّوَاكُ»؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز به پیامبران داده شده است: عطر، همسران و مسواک (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۵۱۱/۶، ح ۹). همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند، غیر از «طلحه بن زید» که امامی نیست، ولی ثقه است و شیخ طوسی در الفهرست کتابش را مورد اعتماد دانسته است (طوسی. ۱۴۲۰ ق: ۲۵۶). در این روایت نیز مضمون روایات قبل با بیانی دیگر تکرار شده است و مسواک از چیزهایی دانسته شده که به انبیای الهی داده شده است.

روایت چهارم: «قَالَ وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ التَّعَطُّرُ وَالسَّوَاكُ وَالنِّسَاءُ وَالْجَنَائِ»؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار چیز از سنت‌ها و روش‌های

رسولان خدا علیه السلام است: عطر زدن، مسواک کردن، (ازدواج با) زنان و خضاب با حنا (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۵۲/۱، ح ۱۱۱). این روایت مرسل است و از نظر سندی ضعف دارد. روایت یادشده در خصال نیز ذکر شده که سند آن موثق است. براین اساس، می‌توان روایت خصال را به عنوان قرینه پیرامونی روایت نقل‌شده در من لایحضره الفقیه به شمار آورد و معتبر دانست.

روایت پنجم: در روایتی آمده است که پیامبر بسیار مسواک می‌زدند. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يُكْثِرُ السَّوَاكَ وَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ... وَالسَّوَاكُ مِنَ الْخَفِيفَةِ وَ هِيَ عَشْرُ سُنَنِ خَمْسٍ فِي الرَّأْسِ وَ خَمْسٍ فِي الْجَسَدِ: فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ، فَأَلْمَضْمَضَةُ وَ الْاسْتِنْشَاقُ وَ...»؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: بهرآستی رسول خدا بسیار مسواک می‌زدند و آن واجب نیست... مسواک از سنت‌های دین حنیف است که ده تا است، پنج سنت در سر و پنج سنت در بدن، اما سنت‌هایی که در سر است: مضمضه (آب در دهان گرداندن)، استنشاق (آب به بینی کشیدن)، مسواک کردن... (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۵۳/۱، ح ۱۱۷) این روایت متصل نیست و از نظر سندی ضعیف به شمار می‌آید، ولی مضمون آن در روایات با سند صحیح و موثق تکرار شده است.

۳. ملازم بودن با مسواک

برخی روایات با اشاره به فواید زیاد مسواک، مؤمنان را به التزام همیشگی به مسواک زدن ترغیب کرده‌اند. در روایتی می‌خوانیم: «قَالَ وَ رَوَى: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّوَاكِ لَأَبَاتُوهُ مَعَهُمْ فِي لِحَافٍ»؛ از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: اگر مردم می‌دانستند مسواک کردن چقدر فایده دارد، آن را همراه خویش در بستر قرار می‌دادند (صدوق. ۱۴۱۳ ق: ۵۵/۱، ح ۱۲۴). این روایت از جمله مراسلات شیخ صدوق است و به دلیل عدم اتصال از نظر سندی ضعیف است، ولی روایت دیگری در ثواب الاعمال با همین مضمون وارد شده که سندش موثق است و می‌تواند به عنوان قرینه پیرامونی به اعتبار روایت فوق کمک کند. در ثواب الاعمال آمده است: «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّوَاكِ لَأَبَاتُوهُ مَعَهُمْ فِي لِحَافٍ» (صدوق. بی‌تا: ۳۴).

۴. مسواک نازل شده از سوی جبرئیل

برخی از روایات دلالت دارد که مسواک از سوی جبرئیل علیه السلام نازل شده است. در روایتی با سند موثق می‌خوانیم: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عليه السلام عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّوَاكِ وَالْخِلَالِ وَالْحِجَامَةِ؛ ابوجميلة می‌گوید که امام صادق عليه السلام به من فرمودند: جبرئیل عليه السلام مسواک، خلال و حجامت را بر رسول خدا صلى الله عليه وآله نازل کرد (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۶/۳۷۶، ح ۲). این روایت با سند موثق در المحاسن نیز نقل شده است که می‌تواند اعتماد ما به آن را دوچندان کند.

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا تَلْقَى مِنْ أَنْفَاسٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا قَرِّيْ كَعْبَةُ فَإِنِّي مُبْدِلُكَ بِهِمْ قَوْمًا يَنْتَظِفُونَ بِقَضْبَانِ الشَّجَرِ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله أَوْحَى إِلَيْهِ مَعَ جِبْرِئِيلَ عليه السلام بِالسَّوَاكِ وَالْخِلَالِ؛ امام باقر عليه السلام فرمودند: خانه خدا کعبه، نزد خدای بزرگ از نفس‌های مشرکان شکایت کرد، پس خداوند وحی کرد: آرام گیر ای کعبه، به‌راستی گروهی را جایگزین آن‌ها می‌کنم که با شاخه‌های درخت (دهانشان را) نظافت می‌کنند. در آن هنگام که خداوند حضرت محمد صلى الله عليه وآله را به پیامبری برانگیخت، با جبرئیل عليه السلام درباره مسواک و خلال بر او وحی فرستاد (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۴/۵۴۶، ح ۳۲). این روایت هرچند به لحاظ سندی ضعیف است، ولی بخش آخر آن با دو روایت پیش گفته هم‌مضمون است که می‌تواند به‌عنوان قرینه پیرامونی برای آن بخش به شمار آید و به آن اعتبار ببخشد.

۵. مسواک سفارش مؤکد جبرئیل عليه السلام

بعضی روایات مسواک را سفارش مؤکد جبرئیل عليه السلام دانسته‌اند. مرحوم کلینی روایت کرده است: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ عليه السلام يُوصِينِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى خِفْتُ أَنْ أَخْفِيَ أَوْ أَذَرَهُ؛ امام باقر عليه السلام پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: همواره جبرئیل عليه السلام مرا به مسواک سفارش می‌کرد تا آنجا که بیم داشتم در اثر

مسواک زیاد، دندان‌هایم از بین برود (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۳/۲۳، ح ۳). همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند و براین اساس، روایت صحیح به شمار می‌آید. مضمون فوق در المحاسن نیز با سندی متفاوت نقل شده است؛ هرچند سند آن با ضعف مواجه است، ولی به دلیل وجود روایت فوق و نیز روایت هم‌مضمون بعدی که هر دو صحیح هستند، این روایت نیز معتبر خواهد بود.

جناب برقی در المحاسن آورده است: «عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى خِفْتُ عَلَى سَنِّي؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: جبرئیل دائماً مرا به مسواک سفارش می‌کرد تا اینکه برای دندان‌هایم ترسیدم (المحاسن. ۵۶۰/۲). همه راویان این روایت امامی و ثقه هستند و روایت یادشده صحیح است. مضمون فوق با سند صحیح در روایات دیگر در الکافی (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۶/۴۹۶) و المحاسن (برقی. ۱۳۷۱ ق: ۲/۵۶۰) نقل شده است که می‌تواند بر اعتبار روایت فوق بیفزاید. وجود چهار روایت صحیح مشابه می‌تواند اعتماد ما را به صدور این مضمون از ائمه معصومان علیهم السلام بیشتر کند.

در این راستا، در روایتی دیگر می‌خوانیم:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْعَزِيزِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى الْأَبْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ الْغَلَابِيُّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَقْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: ... وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ... مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ ... وَ مَا زَالَ يُوصِينِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ قَرِيبَةً ...؛ جبرئیل همواره سفارش همسایه را به من کرد تا جایی که گمان کردم او را وارث می‌سازد و ...

و پیایی مسواک را به من سفارش می‌کرد تا آنجا که گمان کردم آن را واجب می‌سازد... (صدوق. ۱۳۷۶: ۴۲۸).

این روایات نیز به لحاظ سندی ضعیف است، ولی به دلیل وجود روایات با مضمون مشابه صحیح و موثق، می‌توان مضمون آن (تأکید بر اهمیت مسواک) را معتبر دانست.

در این مجال روایات دال بر اهمیت و لزوم التزام به استفاده از مسواک مورد بررسی قرار گرفت. وجود روایات متعدد صحیح و موثق در این باره و نبود روایت معارض می‌تواند موجب اعتماد محققان به صدور این روایات از ائمه علیهم‌السلام شود. همچنین، بیانگر اهتمام ائمه علیهم‌السلام به رعایت بهداشت دهان و دندان است.

در این پژوهش، تلاش شد گامی در اعتبارسنجی روایات اهمیت مسواک برداشته شود. به این منظور:

۱. روایات از منابع معتبر شیعه انتخاب شد که حاکی از اعتبار منبعی روایات مطرح شده است.

۲. خانواده حدیثی در مورد موضوع مطرح شده در مقاله تشکیل شد و به این ترتیب، همسویی روایات و عدم وجود معارض نشان داده شد.

۳. روایات متعدد صحیح و موثق که از نظر دلالت بر یک مضمون، مشترک بودند، مطرح شدند تا به اعتبار بالای آن‌ها توجه شود.

۴. در مواردی که قرائن پیرامونی به حجیت روایت و جبران ضعف سند کمک می‌کرد نیز اشاره شد.

۵. روایاتی ارائه شد که از نظر سندی صحیح یا موثق بودند و یا با توجه به قرائن پیرامونی ضعف سندشان جبران شده بود.

منابع:

- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). المحاسن. محقق: محدث، جلال‌الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامية.

- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی‌اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۷۶). آمالی. مترجم: کمره‌ای، محمدباقر. تهران: کتابچی.

- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (بی‌تا). ثواب الأعمال وعقاب الأعمال. تهران: مکتبه الصدوق.

- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامية.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ ق). فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامية). چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.

محدوده اعتبار و تأثیرگذاری احکامی که
بر اساس ضرورت تعیین می‌شوند، تابع آن
ضرورت است.

محدوده تأثیر احکام ثانویه

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
a.mashkooori@gmail.com

به زخمش آب برساند؛ بلکه باید جیره یا تیمم کند، اما با گذشت سه شبانه‌روز از جراحی، ضرورت رفع می‌شود و بیمار باید مانند دیگر مکلفان وضو یا غسل را انجام دهد. همچنین، بیماری که به دلیل استئوآرتریت (آرتروز) زانو‌ها، دو زانو نشستن برایش بسیار سخت است همه نمازش را نباید نشسته بخواند؛ بلکه اگر برایش ممکن است دیگر افعال نماز، مانند تکبیرة الاحرام و قرائت و رکوع و... را مانند دیگر مکلفان انجام دهد و تنها تشهد یا سجده یا افعالی که انجام آن‌ها برایش دشوار است روی صندلی بنشیند و انجام دهد. همچنین، کسی که به دلیل ابتلای مکرر به سنگ کلیه از روزه‌داری منع شده است اگر می‌تواند با نوشیدن مایعات زیاد از مغرب تا اذان صبح و تغییر ساعت خواب و بیداری و ساعت کار و در معرض حرارت قرار نگرفتن و حتی بنابر نظر برخی فقها با تزریق سرم (سیستانی، سایت رسمی) می‌تواند جلوی کم آب شدن بدن را بگیرد، حتی الامکان باید این اقدامات را انجام دهد و روزه بگیرد؛ چراکه در این صورت ضرورت قابل پیشگیری است و الضرورات تتقدر بقدرها.

منابع:

- المصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۹ق). القواعد. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ص ۱۵۳.

- پرسش و پاسخ: روزه و تزریق آمپول و سرم، <https://www.sistani.org/persian/qa/02311/>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰.

می‌دانیم در شریعت اسلام احکامی داریم که لازم‌الاجرا و همه مکلفان به اجرای آن موظف هستند. همچنین، می‌دانیم گاهی اجرای برخی احکام برای برخی افراد بسیار سخت یا حتی غیرممکن است که بر اساس قواعد فقهی، همچون قاعده لاضرر و قاعده لاحرج و... و به‌عنوان حکم ثانوی، این افراد از شمول آن حکم خاص خارج می‌شوند یا تخفیفی برای آنان در نظر گرفته می‌شود؛ مثل اینکه می‌بینیم افراد ناتوان، نشسته (روی زمین یا روی صندلی) نماز می‌خوانند یا سالمندان از روزه‌داری معاف می‌شوند، اما نکته مهمی که گاه از آن غفلت می‌شود این است که: «الضَّرُورَاتُ تَتَقَدَّرُ بِقَدَرِهَا» (المصطفوی، ۱۴۲۹ق)؛ یعنی احکام ثانوی ضروری، محدود به اندازه ضرورت‌اند؛ به عبارت دیگر محدوده اعتبار و تأثیرگذاری احکامی که بر اساس ضرورت تعیین می‌شوند تابع آن ضرورت است؛ یعنی اگر زمانی «ضرورت» رفع شد، حکمی که بر اساس آن ضرورت وضع شده نیز رفع می‌شود؛ مثلاً اگر دست بیماری به دلیل جراحی پانسمان شده و پزشک معالج به او گفته باشد که تا سه روز نباید آب به زخم دست برسد، این بیمار حتی اگر غسل بر او واجب شود بر اساس قاعده «دفع ضرر» حق ندارد

دفن نکشید!

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت،
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

قال الصادق علیه السلام: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْغَرِيقُ يُغَسَّلُ حَتَّى يَنْغَيَّرَ وَ يُعْلَمَ أَنَّهُ قَدْ مَاتَ ثُمَّ يُغَسَّلُ وَ يُكْفَنُ»
قَالَ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَصْعُوقِ فَقَالَ إِذَا صُعِقَ حُبِسَ يَوْمَيْنِ
ثُمَّ يُغَسَّلُ وَ يُكْفَنُ»^۱.

عمار گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که در آب خفه شده است باید نگه داشته شود تا [جسد او] دگرگون شود و معلوم شود که او مرده است. سپس غسل داده شود و کفن گردد. [راوی] گفت: و از صاعقه زده پرسیده شد. پس فرمودند: وقتی صاعقه بر کسی زد، باید دو روز نگه داشته شود. سپس غسل داده شود و کفن گردد».

همان گونه که مستحضر هستید، قرار بر این بود که در هر جلسه درس یک آیه کریمه یا یک حدیث شریف بیان شود و این آیات و روایات، با موضوع و مبحث کلاس اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای دانشجویان رشته‌های علوم سلامت مرتبط باشد. در ادامه مبحث «مراقبت‌های پایان حیات»، در این بخش به حدیثی شریف درباره لزوم تأخیر دفن برخی اموات و تلاش برای درک کاربرد آن، بر اساس دانش کنونی بشر اشاره خواهد شد.

در جلد سوم از کتاب شریف کافی، باب جداگانه‌ای با عنوان «الْغَرِيقُ وَالْمَصْعُوقُ» آمده است (کافی، ۱۴۰۷ق). در این باب به شش حدیث در این باره اشاره شده است که عبارتند از:

- حدیث اول از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که از ایشان درباره غریق و صاعقه زده پرسیدند و ایشان فرمودند که سه روز صبر شود، مگر اینکه جسد دگرگون شود.

- دومین حدیث این مجموعه، از اسحق ابن عمار نقل شده است که می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره غریق پرسیدم که آیا باید غسلش داد؟ ایشان فرمودند: آری و تعیین وضعیت نیز لازم است. گفتم: چگونه تعیین وضعیت می‌شود؟ فرمودند: سه روز پیش از دفن وا گذاشته می‌شود (تا از مرگ او اطمینان حاصل شود) و کسی که دچار صاعقه شده باشد نیز همچنین است؛ چون ممکن است که گمان کنند مرده، درحالی که نمرده است.

- حدیث سوم از حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام نقل شده است که ایشان تنها فرمودند غسل داده شود.

- حدیث چهارم همان است که در صدر مطلب بیان شد.

- در حدیث پنجم نیز عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: پنج فرد هستند که باید بر آنان انتظار کشید (آنگاه دفن کرد)، مگر اینکه دچار تغییرات شوند: غریق، صاعقه زده، اسهال گرفته، زیر آوار مانده و خفه شده با دود.

- حدیث ششم از علی بن ابوحزمه نقل شده که گفته است در یکی از سال‌ها در مکه صاعقه بسیاری فرود آمد که بر اثر آن گروه زیادی از مردم جان باختند. خدمت امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم، بدون اینکه پرسشی کنم، فرمودند: شایسته است برای غریق و صاعقه زده سه روز انتظار بکشند و آن‌ها را دفن نکنند، مگر آنکه از آن‌ها بویی به مشام برسد که نشانه مرگ باشد. گفتم: قربانت گردم! گویا به من خبر می‌دهید که گروه بسیاری از مردم زنده دفن شده‌اند؟ فرمود:

حداکثر زمان احیای قلبی-ریوی،
نامعلوم است.



نکته مهم دیگری که لازم است بیان شود، این است که به بیان همکاران متخصص بیهوشی، در منابع بیهوشی بیان شده که احیای برق گرفتگی و غرق شدگی طولانی تر از معمول است.

منابع:

- آخوندی، محمد (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ج ۳ ص ۲۰۹ - ۲۱۰.

- Ashish R. Panchal, et al, and On behalf of the Adult Basic and Advanced Life Support Writing Group. (2020). Part 3: Adult Basic and Advanced Life Support: 2020 American Heart Association Guidelines for Cardiopulmonary Resuscitation and Emergency Cardiovascular Care. Circulation. 142:S366-S468.

S. Vandervelden, et al., Prolonged CPR, Trends in Anaesthesia and Critical Care (2016), <http://dx.doi.org/10.1016/j.tacc.2016.05.007>

- Motawea, M., Al-Kenany, A. S., Hosny, M., Aglan, O., Samy, M., & Al-Abd, M. (2016). Survival without sequelae after prolonged cardiopulmonary resuscitation after electric shock. The American journal of emergency medicine, 34(3), 679.e1-679.e6792.

- Eich, C., Bräuer, A., & Kettler, D. (2005). Recovery of a hypothermic drowned child after resuscitation with cardiopulmonary bypass followed by prolonged extracorporeal membrane oxygenation. Resuscitation, 67(1), 145-148.

Houssein Youness, Tarek Al Halabi, Hussein Hussein, - Ahmed Awab, Kellie Jones, and Jean Keddissi. (2016). "Review and Outcome of Prolonged Cardiopulmonary Resuscitation", Critical Care Research and Practice

- Sumann, G., Krismer, A.C., Wenzel, V., Adelsmayr, E., Schwarz, B., Lindner, K.H. and Mair, P. (2003), Cardiopulmonary resuscitation after near drowning and hypothermia: restoration of spontaneous circulation after vasopressin. Acta Anaesthesiologica Scandinavica, 47: 363-365.

آری، ای علی! بسیاری از مردم که هنوز نمرده بودند، دفن شده‌اند و آن‌ها در قبرهایشان مرده‌اند.

به نظر می‌رسد این شش حدیث یک پیام مهم مشترک دارند که باید به آن دقت و توجه جدی شود. فهم بنده از پیام احادیث یادشده این است که در برخی از موارد، ایست قلبی- تنفسی با وجود ظاهر امر و بروز علائم ظاهری مرگ در بیمار، قطعی نشده است و زندگی دنیوی بیمار قابل بازگشت باشد.

هنگامی که علائم حیاتی یک فرد دچار اختلال شدید و اصطلاحاً بیمار دچار ایست قلبی- تنفسی می‌شود، اقدام معمول کارکنان نظام سلامت، عملیات «احیای قلبی-ریوی» (CPR) است. بر پایه شواهد به دست آمده از بیماران مختلف، راهنماهای بالینی برای این عملیات تهیه شده است (Panchal et al. 2020). طول زمان احیا، یکی از نکاتی است که در این راهنماها به آن پرداخته شده است.

یکی از تعابیر موجود در منابع و مقالات، عبارت «احیای قلبی-ریوی طولانی» است (Vandervelden, 2016). مقالاتی هم وجود دارد که در آن به بیمارانی پرداخته‌اند که احیای طولانی آن‌ها می‌تواند موجب بقای بدون عارضه بیمار شود (Motawea et al. 2016) (Eich, Bräuer & Kettler. 2005) (Sumann et al. 2003). این امر موجب شده است که گفته شود حداکثر زمان احیا نامعلوم است (Motawea et al. 2016) (Youness et al. 2016).

از این رو، به نظر می‌رسد تا زمانی که مرگ حتمی بیمار قطعیت پیدا نکرده است و با استفاده از امکانات در دسترس، احتمال (هرچند اندک) بازگشت بیمار وجود دارد، اقدامات درمانی باید ادامه یابد. این امر، همواره موضوع قابل بررسی بوده است. جالب این است که معصومان علیهم‌السلام متناسب با امکانات و تجربه بشری در زمان خود، این چنین دستوراتی را صادر کرده‌اند. فرمایشات ایشان برای ما راهنمایی است که برای به دست آوردن موارد ممکن برای اقدامات تشخیصی- درمانی صحیح‌تر، تلاش کنیم.

حساس بودن؛ بله یا خیر؟

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم
mrezaie@muq.ac.ir

معرفی مورد

دانشجوی اتاق عمل در آغاز کارآموزی، نخستین بار که وارد اتاق عمل شد با دیدن خون و محیط جراحی حالش بد شد و اضطراب و تپش قلب گرفت. جلسه دوم بهتر بود و با گذشت زمان و حمایت همکاران، با شرایط اتاق عمل سازگار شد؛ به طوری که همه کارهای اتاق عمل را به راحتی انجام می داد.

تحلیل مورد

محیط بیمارستان (درویش پور و جوادی پاشاکی، ۱۳۹۷) و حرفه سلامت (ایرجی میمنندی و سهرابی، ۱۳۹۵)، به خودی خود دارای تنش است. مراکز ارائه خدمات سلامت، به ویژه بیمارستان ها، به دلیل روبرو بودن با ناخوشی و بیماری افراد، عموماً محیط خوشایندی برای افراد نیست. این ناخوشایندی با مرگ بیمار، تشدید هم می شود.

حساسیت فردی افراد جامعه به این شرایط ناخوشایند، مختلف است. برخی دانشجویان از افرادی هستند که به این شرایط ناخوشایند، حساسیت بالایی دارند.

این حساسیت باید به دو دسته تقسیم شود:

- دسته اول، حساسیت هایی است که رابطه صحیح ارائه کننده و گیرنده خدمت سلامت را بر هم می زند یا در آن ایجاد اختلال می کند. از این جهت، این حساسیت ها نادرست است و باید کاهش یابد و

حتی به نظر می رسد باید حذف شود. حساسیت به بوی مواد بیمارستانی، دیدن خون بر بدن بیمار، دیدن زخم، حضور بر بالین بیماری که الآن فوت کرده است و ... از این دسته هستند. مهار نمودن این حساسیت ها موجب ایجاد تنش در ارائه کننده شده، مانع از ارائه خدمت سلامت می شود. راهکارهای مختلفی برای کاهش این حساسیت وجود دارد؛ از جمله: آموزش توجیهی بدو ورود به بالین (زمان زاده، سیدفاطمی و نمادی وثوقی، ۱۳۸۴) و مواجهه زودرس (امیرعلی اکبری، ارفع، علوی مجد، ۱۳۸۷).

راهکار مهم دیگری نیز وجود دارد که انجام آن به صورت هم زمان چند هدف را محقق می کند و به اصطلاح، با یک تیر چند نشان زده می شود. این راهکار، آموزش بالینی با نظارت مستقیم یاد دهنده مسئول است. وقتی بسته به آن خطر ذاتی و عارضی آن اقدام تشخیصی یا درمانی، استاد یا مربی ماهر و ورزیده در کنار فراگیر باشد و بر انجام آن اقدام نظارت مستقیم داشته باشد، این حضور یاد دهنده برای فراگیر قوت قلب است و اعتماد به نفس او را بالا می برد، حتی اگر این یاد دهنده، دانشجوی هم تراز با سابقه باشد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۷) (یعقوبیان، سالمه و یعقوبی، ۱۳۹۷). افزون بر این اثر نیکو، اصول «ضرر نرسانی» و «سودرسانی» در این نظارت مستقیم بهتر رعایت خواهد شد. اگر روند فراگیری، ناخواسته بخواهد برای بیمار آسیبی ایجاد کند، حضور یاد دهنده و تبحر و مهارت وی

نظام سلامت باید به گونه ای باشد که حساسیت اخلاقی کارکنان و دانشجویان خود را به مشکلات گیرندگان خدمات سلامت، روز به روز افزایش و ارتقا دهد.

حساسیت‌هایی که رابطه صحیح ارائه‌کننده و گیرنده خدمت سلامت را بر هم می‌زند یا در آن اختلال ایجاد می‌کند، نادرست است و باید کاهش یابد و یا حتی حذف شود، اما وجود حساسیت‌های بهبود دهنده رابطه ارائه‌کننده و گیرنده خدمت سلامت و مدیریت تقویت آن، پسندیده خواهد بود.

منابع:

- قرآن کریم.
- ایرجی میمنی، نجمه و سهرابی، نادره (۱۳۹۵). «تبیین تفاوت راهبردهای تنظیم شناختی هیجانات، استرس شغلی و میزان اعتیاد به کار در بین دانشجویان دوره دستیاری جراحی». مجله علوم پزشکی صدرات. ۱۱۶-۱۰۷: (۲)۴.
- امیرعلی‌اکبری، صدیقه؛ ارفعی، کنایون و علوی مجد، حمید (۱۳۸۷). «عوامل تنش‌زای حرفه مامایی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران». نشریه پرستاری ایران. ۲۱: (۵۴): ۳۰-۲۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن و آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. گروه حدیث (بی‌تا). هدایة الأمة إلی أحكام الأئمة. ج ۵ ص ۵۳۳. مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- درویش‌پور، آذر و جوادی پاشاکی، نازیلا (۱۳۹۷). «ارتباط ابعاد استرس بیمارستانی با نوع بخش کاری در پرستاران مراکز درمانی دانشگاه علوم پزشکی گیلان». نشریه پرستاری ایران. ۳۱ (۱۱۴): ۷۶-۸۵.
- زمان‌زاده، وحید؛ سیدفاطمی، نعیمه و نمادی‌ووقی، مریم (۱۳۸۴). «تجارب تنش‌زای دانش‌آموختگان جدید پرستاران در طول دوره گذر». مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ۲۷ (۴): ۴۵-۴۹.
- نصیری، محبوبه؛ جهانشاهی، مهری؛ جنت‌علی‌پور، زهرا؛ نوابی، نسرین و شمسعلی‌نیا، عباس (۱۳۹۷). «تأثیر برنامه منتور شیب بر عوامل تنش‌زا و میزان اعتماد به نفس دانشجویان پرستاری در محیط بالینی سال ۹۴-۹۵». دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی. ۱۱ (۱): ۶۶-۷۳.
- یعقوبیان، محبوبه؛ سالمه، فاطمه و یعقوبی، طاهره (۱۳۸۷). «تأثیر اجرای برنامه Mentorship بر عوامل تنش‌زای محیط بالینی دانشجویان پرستاری». مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران ۱۸ (۶۶): ۴۲-۵۰.
- Lee, C., Kim, S., Choe, K., & Kim, S. (2021). Effect of ethics seminar on moral sensitivity and ethical behavior of clinical nurses. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(1), 241.
- Mower, D. S. (2018). Increasing the Moral Sensitivity of Professionals. In *Ethics Across the Curriculum—Pedagogical Perspectives* (pp. 73-88). Springer, Cham.

در انجام آن، مانع آسیب رسیدن به بیمار می‌شود؛ به عبارت دیگر دست‌کم دو مورد از این تیرها، به نشان (Syble) اصول و قواعد اخلاق سلامت اصابت کرده است.

• دسته دوم از این حساسیت‌ها، حساسیت‌هایی است که وجود آن‌ها موجب بهبود رابطه ارائه‌کننده و گیرنده خدمت سلامت می‌شود. بنابراین، وجود این دسته و مدیریت تقویت آن، پسندیده خواهد بود. «حساسیت اخلاقی» (moral or ethical sensitivity) یکی از این موارد است.

نظام سلامت باید به گونه‌ای باشد که حساسیت اخلاقی کارکنان (Lee, Kim, Choe, & Kim, ۲۰۲۱) و دانشجویان (Mower, D. S. ۲۰۱۸) خود را روزبه‌روز افزایش و ارتقا دهد.

مشکلات اقتصادی بیمار در تأمین هزینه سلامت، گریه بیمار یا همراه او، درد کشیدن بیمار یا ناراحتی او، ارائه خبر ناگوار به بیمار و واکنش او، مرگ بیمار و ... از جمله مواردی است که به نظر می‌رسد حساسیت کارکنان و دانشجویان به آن باید در جای خود باقی بماند و بلکه افزایش یابد.

آموزه‌های اسلام عزیز، سرشار از مفاهیم و مطالبی است که توجه مسلمانان را به مشکلات بندگان خداوند متعال وامی‌دارد و بی‌توجهی به این امر را مذموم نشان می‌دهد. آیه کریمه (وَلَا يَحْضُ عَلٰی طَعَامِ الْمَسْكِينِ) که عیناً در دو سوره مبارکه حاقه (آیه کریمه ۳۴) و ماعون (آیه کریمه ۳) تکرار شده است (و این تکرار می‌تواند دلیلی بر اهمیت آن باشد) یا آیات کریمه متعدد قرآن کریم که «امر به انفاق» دارد و یا حدیث معروف «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (حر عاملی. ب.ت.) قطره‌ای از این دریای بیکران مفاهیم است.

جهان بین پزشکی وماهیت بیمار ۲

صادق یوسفی
مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم
syoosefee@muq.ac.ir;
yoosefee@gmail.com

در مطلب پیشین، بحث ماهیت بیمار در جهان بینی پزشکی آغاز شد. در این شماره این مبحث ادامه می یابد. همان طور که گفته شد، طرفداران رویکرد جهان-ماشین، بدن بیمار را به عنوان بدن مکانیکی در نظر می گیرند. مکانیک انگاری بدن پیامدهایی دارد که آن را می توان در قالب چهار مورد برشمرد.

پیامد یکم تکه تکه شدن بدن، یعنی تقسیم آن به قسمت های جداگانه است. پیامد دوم، ارائه یک بدن استاندارد شده است؛ یعنی ایجاد یک بدن عمومی مرجع که داده های بالینی بدن بیماران با آن مقایسه می شود. وظیفه پزشک این است که بدن بیمار را به گونه ای باز شکل یا تغییر شکل دهد تا با بدن استاندارد مطلوب جامعه پزشکی مطابقت نماید. این بدن، بیشتر مردانه است؛ اگرچه اخیراً نیز یک بدن استاندارد زنانه برای زنان استفاده می شود. پیامد سوم، بدن نمایان است. فناوری های پزشکی، به ویژه فناوری تصویربرداری، به پزشکان اجازه می دهند تا قسمت های داخلی بدن بیمار را ببینند. با این حال، نمایان شدن بدن، بدون مشکل نیست و معمولاً معضلات اخلاقی را هم برای بیمار و هم برای پزشک ایجاد می کند. پیامد نهایه که آزاردهنده ترین پیامد برای بیمار می باشد، بدن بیگانه است که در آن بیمار از بدن خود، بافتار زندگی و افراد دیگر بیگانه می شود. در این حال، کنترل بدن بیمار از دست او خارج شده، این حرفه مندان پزشکی هستند که در تلاش برای بهبودی، اختیار بدن یا بخشی از آن را در دست می گیرند؛ به عبارت دیگر بیمار یا بدن او تحت سیطره پزشکان قرار می گیرد؛ یعنی درک پزشکان از بدن فرد بیمار جدا از دیگر اجزای زندگی او صورت می گیرد که نتیجه نهایی آن، از دست رفتن هویت بیمار و بافتار زندگی اوست.

دانش و عمل پزشکی کاملاً با تأثیر مدل

زیست پزشکی آشناست که در آن، جدایی دستگاه بدن بیمار از خود و بافتار زندگی اش رخ می دهد. این همان اصل جدایی (از اشیا و افراد مرتبط) است که به ارزش اصلی این مدل تبدیل گشته، بر پایه آن همه چیز خارج از بافتار خود، بهتر درک می شود.

هدف پزشکی علمی در مواجهه با بدن عینیت یافته و مکانیزه شده بیمار (بدون در نظر گرفتن بافتار زندگی او)، اصلاح یا جایگزینی قسمت آسیب دیده یا از بین رفته است؛ چرا که بدن های بیماران تقریباً یا به طور کامل، یکسان در نظر گرفته می شوند. با تقسیم بدن به مجموعه ای از قطعات، بیمار به عنوان یک شخص در نگاه پزشک جایگاهی ندارد و محروم از هر بُعد اخلاقی و اجتماعی است.

جهان-ماشین زیست پزشکی، جهانی علمی و انتزاعی و دستاورد دستگاه های فناوریانه است. با تکه تکه شدن، استاندارد سازی، نمایان شدن و بیگانگی، بدن بیمار در پس زمینه این دنیای ماشین قرار می گیرد. اعضای بدن بیماران در جهان-ماشین پزشکی تبدیل به چرخ دنده می شود (دنیایی از ماشین های به هم پیوسته که در آن بدن بیمار تنها یک وسیله ناشناس و قابل تعویض است)؛ برای نمونه از یک دستگاه دیالیز کلیه برای درمان بیماران با وضعیت مشابه استفاده می شود. بیماران در این جهان-ماشین، وسایل مکانیکی قابل تعویض هستند.

از آنجاکه بیمار به عنوان گردآیندی از اعضای بدن، تنها یک دستگاه مکانیکی دیگر در جهان-ماشین پزشکی است، از بدن جدا یا نادیده گرفته می شود؛ زیرا بدن بیمار در پس این جهان-ماشین قرار می گیرد.

از آنجاکه بیمار به عنوان گردآیندی از اعضای بدن، تنها یک دستگاه مکانیکی دیگر در جهان-ماشین پزشکی است، از بدن جدا یا نادیده گرفته می‌شود؛ زیرا بدن بیمار در پس این جهان-ماشین قرار می‌گیرد؛ برای نمونه پزشکان بیشتر به خروجی دستگاه‌هایی که برای پایش بیمار استفاده می‌شود، اعتماد می‌کنند تا گزارش بیمار از تجربه بیماری خود. بیمار به جای فردی تبلور یافته در بدن، بیشتر به مجموعه‌ای از نتایج آزمایش‌ها، پیرو به کارگیری فناوری پزشکی تبدیل می‌شود. مدل بیومکانیکی بدن، در حال توسعه به سمت دو شکل ترکیبی از بدن انسان است: بدن ژنتیک و بدن سایبورگ* (Cyborg).

همان‌طور که در شماره‌های پیشین گفته شد، بدن بیمار نه تنها به قطعات ماکرو (اندام‌ها) منفرد، بلکه به قطعات کوچک (مولکول‌ها) نیز تقلیل می‌یابد؛ البته مهم‌ترین مولکول که در جامعه غربی به قامت نمادین دست یافته است، ماکرومولکول مسئول انتقال اطلاعات ژنتیک یا DNA است. تجزیه و تحلیل DNA و ژن‌های آن، دوره جدید پزشکی، یعنی پزشکی ژنومیک، به‌ویژه پروژه ژنوم انسانی را آغاز کرده است. از آنجاکه در این وضعیت، منشأ بیماری‌ها ژنتیک پنداشته می‌شود، درمان شامل اصلاح یا جایگزینی ژن‌های معیوب خواهد بود؛ برای نمونه دانشمندان حوزه پزشکی اکنون می‌توانند ژن‌هایی را برای درمان بیماری‌ها وارد بدن کنند (مانند ژن‌درمانی). در نتیجه، بدن‌هایی را تولید

می‌کنند که از نظر ژنتیک، ترکیبی هستند.

افزون بر بدن با ژنتیک ترکیبی، ترکیبی نیز وجود دارد که بخشی از آن ماشین و بخشی انسان است (سایبورگ)؛ برای نمونه در سال ۱۹۹۸ در انگلیس یک تراشه فرستنده سیلیکونی در بازوی فردی کاشته شد. این تراشه اتصال او به رایانه را ممکن می‌ساخت که می‌توانست موقعیت وی را در بخش سایبرنتیک دانشگاه شناسایی کند و باز شدن درب‌ها و روشن شدن چراغ‌ها را هنگام عبور او از بخش فراهم می‌کرد. طب مدرن نیز مملو از سایبرگ است؛ اگرچه ترکیب سایبرگ در کنار ترکیب ژنتیک توانایی‌های بدن انسان را افزایش داده‌اند، با این حال، مرز بین انسان و ماشین مبهم است.

* کوتاه شده سایبرنتیک (Cybernetic) و ارگانیسم (Organism)، موجودی با اجزای زنده و مکانیکی است.

منابع:

- Marcum, J. A. (2008). *Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine* (Vol. 99). Netherlands: Springer.

منطق فهم حدیث



کتاب «منطق فهم حدیث»، اثر حجت الاسلام والمسلمین سید محمد کاظم طباطبائی است که در سال ۱۳۹۳ از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه در ۸۲۱ صفحه به چاپ رسیده است.

فهم حدیث از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار و علمی مجزاست که این قدرت را به انسان می‌دهد تا احادیث صادر شده از معصومان علیهم السلام را بفهمد. حدیث از همان آغاز که از معصوم صادر شده است تا هم‌اکنون که به دست ما رسیده دوران پرفراز و نشیبی را گذرانده است که درک آن با فهم ابتدایی که در حوزه علمیه حاصل می‌شود، به دست نمی‌آید. دستیابی به احادیث گاه مشکل‌تر از فهم قرآن است؛ چون قرآن یک متن قطعی صادر شده از سوی خداوند است، ولی احادیث در برخی موارد، دچار تشویش، اضطراب و تحریف شده‌اند و هنگام صدور آن‌ها، نیازهای زمان در نظر گرفته شده است.

کتاب پیش رو، از هفده درس تشکیل شده است که عناوین مطالب آن عبارت‌اند از: کلیات، واژه‌شناسی ۱ و ۲، لزوم بازیابی خانواده حدیث و پیشینه آن، فواید و آثار بازیابی خانواده حدیث، شیوه کاربردی بازیابی خانواده حدیث، ارزش‌گذاری متون، بهره‌گیری از قرائن و استنتاج، آسیب‌شناسی پژوهش حدیثی ۱ و ۲ و ۳، اختلاف حدیث و مشکل الحدیث، کلیات نقد حدیث و معیارهای نقد محتوایی حدیث ۱ تا ۵.

این مجموعه در پی آن است که مبانی، روش‌ها و راهکارهای شایسته و بایسته فهم و درک حدیث را فراروی مخاطب قرار دهد، آسیب‌های موجود در این مسیر را بازگوید و با تکیه بر شیوه فقیهانه و اجتهادی عالمان پیشین، تبیین و تقریری منضبط و روشمند را در این حوزه عرضه کند. در واقع، هدف اصلی نویسنده ارائه روش منطقی، مقبول و قابل دفاع غور در متون حدیثی برای فهم دقیق‌تر و دستیابی به مراد اصلی و جدی معصومان علیهم السلام است. بحث‌های این کتاب نو و منظم و از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و مؤلف کتاب هر جا احساس کرده است مطلب به توضیح بیشتر نیاز دارد، این کار را انجام داده است.

غزل عشق

در راه عشق دم‌به‌دم عذر و بهانه چیست
 عنقای نفس ناطقه را جز به‌طور عشق
 با روی یار عین قصور است طرف حور
 معشوق حسن مطلق اگر نیست ماسواه
 ای بی‌خبر ز خلوت شب‌های عاشقان
 وجد است آنچه را نبی گفته است و نبی
 آوخ که بوم شوم نیارد شنودنش
 درویش بی‌خیال ز کونین را چکار
 گر صبح کاذب اقدام بر صبح صادق است
 سرّ قدر ز حکم قضا امر مبرم است
 چون یک وجود هست و بود واجب و صمد
 بس کشتی خرد که در این بحر سال‌ها
 زنبورخانه است مگر سینه حسن

خوش‌تر ز عشق و زمزمه عاشقانه چیست
 در طوبی آرمیدن و در سدره لانه چیست
 با سوز عشق نغمه چنگ و چغانه چیست
 یکسر به‌سوی کعبه عشقش روانه چیست
 در دهر لذتی چو نوای شبانه چیست
 بهتر از این ترانه در عالم ترانه چیست
 طوطی خوش‌نوای مرا آشیانه چیست
 کاین‌های وهوی واهی اهل زمانه چیست
 بنگر تفاوت نظر اندر میانه چیست
 واعظ زبان برفق بدار این زبانه چیست
 از ممکن این‌همه سخنان فسانه چیست
 طی کرد و پی نبرد که او را کرانه چیست
 از داغ عشق این‌همه در وی نشانه چیست

علامه حسن‌زاده آملی رحمته‌الله